

آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۲۸-۱۳ ساله شهر تهران

دکتر حسین مظفر^۱، دکتر منیژه ذکریایی^۲، مریم ثابتی^۳

چکیده

آنومی فرهنگی مهم ترین بعد آنومی اجتماعی بوده که در سطح رفتارهای اجتماعی قابل تشخیص می باشد و وضعیتی است که رفتارهای افراد و گروه‌های اجتماعی در جامعه خارج از دایره هنجارها صورت می گیرد. این وضعیت ناشی از ضعف هنجارهای اجتماعی بوده و در قالب ناامنی اجتماعی، فساد اخلاقی، انحرافات فردی و گروهی، سوء استفاده از روابط اجتماعی و ... قابل مشاهده است. هنجارهای فرهنگی باید و نباید های رفتاری است که به عنوان قالب عمل کردهای اجتماعی در جامعه وجود داشته و هرگاه قدرت اعمال نفوذ بر عملکردها را از دست بدهد، پیامد آن آنومی فرهنگی است.

هدف از این تحقیق بررسی رابطه بین آنومی فرهنگی (در حقیقت ناهنجاری موجود در افراد نسبت به پیرامونشان) و اعتیاد افراد به مواد مخدر در بین جوانان می باشد. در این مقاله آنومی با متغیرهایی چون بدبینی، بی اعتمادی، سردرگمی و بی محتوایی سنجیده شده است. نمونه مورد مطالعه سیصد نفر از جوانان معنادار ۱۳-۲۸ ساله مناطق ۲-۶-۱۰-۱۴، شهر تهران می باشند. نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و از نظر برخی متغیرهای جمعیت شناختی با یکدیگر هم‌تساوی شدند. گردآوری داده‌ها بر اساس پرسشنامه‌های اطلاعات زمینه‌ای، محقق ساخته انجام شده است و داده‌های پژوهش با بهره‌گیری از شاخص آمار توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون، تحلیل شدند.

یافته‌ها نشان داد که در کل آنومی فرهنگی بر گرایش افراد به اعتیاد تأثیر دارد، همچنین بدبینی افراد نسبت به خود و اطرافیان در گرایش به اعتیاد، بی‌اعتمادی افراد نسبت به همه چیز در اعتیادشان به مواد مخدر، سردرگمی فرد و اغتشاش موجود بین هنجارهایش در اعتیاد به مواد و بی محتوایی زندگی و شخصیت فرد در اعتیادش تأثیر دارند.

کلید واژه: فرهنگ، آنومی، آنومی فرهنگی، اعتیاد.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۳/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱/۱۹

۱- عضو هیات علمی دانشگاه شهید رجایی تهران

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان (نویسنده عهده دار مکاتبات) m_zakaryaei@yahoo.com

۳- دانش آموخته پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۳۴.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸

مقدمه

آنومیا در یونان باستان به معنای فاقد قانون (ناعادلانه)، بی اخلاقی (غیرقابل ارزشیابی با اخلاق) به کار برده شده است. در تعابیر مختلفی که از این مفهوم شده نوعی اغتشاش و بی نظمی است که بالاخره نمی توان پی برد که بار مثبت دارد یا بار منفی. زیرا گرچه در بیشتر متون منفی به کار می رود ولی جاهایی نشان دهنده یک جریان ساخت شکنانه است، مثل اینکه یک سنتی را می شکند، یک بندی را پاره می کند و یا قیدی را آزاد می کند که نهایتاً برداشتی مثبت است. رد پای آنومی را در متون ایرانی نیز می توانیم به خوبی پیدا کنیم، خصوصاً در عرفان. در قرن شانزدهم و هفدهم در یونان و روم به معنی بی اعتنایی به قانون ازلی و بی توجهی به قانون الهی تعبیر شده است. ژان ماری گویو از آن به معنای مثبت استفاده می کند و معتقد است از یک نظر یک "ضداجتماعی"، به آینده ایده آل توجه دارد. ولی دورکهایم جامعه شناس فرانسوی در نقد نظریه ژان گویو به آن معنای منفی می دهد. در دو کتاب او تقسیم کار در جامعه ۱۸۹۳ و سپس کتاب خودکشی (۱۸۹۷) رد پای این واژه را می بینیم، که در برگرفته حالت یا صفتی است که در آن مجموعه ای از قواعد حاکم بر کارکردهای اجتماعی مفقود شده است. به نظر دورکهایم علت اصلی وقوع حالت آنومیک، سرعت شتابان صنعتی شدن است (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۲۳-۴۳). منافع متضاد طبقات و گروه های اجتماعی، زمانی برای رسیدن به تعادل ندارد و هیچ کس جای خودش نیست. دورکهایم اشاره می کند که شهری شدن باعث می شود نیازهای کارکردن افزایش پیدا کند، ولی شرایط تشفی این نیازها وجود ندارد. او در مورد ازدیاد خودکشی در چنین حالتی می گوید، آنومی حالت و وضعیتی از محیط اجتماعی است که بر اساس کارکرد این محیط اجتماعی نرخ خودکشی افزایش پیدا می کند. این اوضاع و شرایط گویای بهم ریختن قواعد تنظیم کننده جامعه است. این مفاهیم اشاره دارد به این که جامعه دارای قواعد تنظیم کننده است، بعد از طی یک دوره بحرانی به تعادل می رسد و تعادل را باز تولید می کند. وی از دو نوع آنومی اقتصادی و آنومی اجتماعی سخن می گوید. وی می گوید آنومی اقتصادی حاکی از فروپاشی چارچوب ارزشهای پذیرفته شده ای است که چشم داشت ها را به ثبات می گرایاند. یعنی جامعه قواعدی دارد که چشم داشت های آدمی را تنظیم می کند. وی در مورد آنومی اقتصادی می گوید: شرایطی است که آرزوهای بی پایان به هر قیمت تجویز می گردد و برای آنها هیچ توجیه عقلانی ارزشی یا دلایلی مبتنی بر توانمندی نمی توان ارائه کرد. شرایطی که در نبود قاعده خود قاعده مند شده است و آدمیان

آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۲۸-۱۳ ساله شهر تهران.....۳۵

قربانیان شرایطی هستند که در تب و تاب به کف آوردن آروزهای بی پایان در رنج جانکاه و دائمی به سر می برند (شیخاوندی، ۱۳۷۶: ۱۲-۱۳). آنومی فرهنگی مهم ترین بعد آنومی اجتماعی بوده که در سطح رفتارهای اجتماعی قابل تشخیص می باشد و وضعیتی است که رفتارهای افراد و گروه های اجتماعی در جامعه خارج از دایره هنجارها صورت می گیرد. این وضعیت ناشی از ضعف هنجارهای اجتماعی بوده و در قالب ناامنی اجتماعی، فساد اخلاقی، انحرافات فردی و گروهی، سوء استفاده از روابط اجتماعی و ... قابل مشاهده است. هنجارهای فرهنگی باید و نباید های رفتاری است که به عنوان قالب عمل کردهای اجتماعی در جامعه وجود داشته و هرگاه قدرت اعمال نفوذ بر عملکردها را از دست بدهد، پیامد آن آنومی فرهنگی است. بعدها، رابرت کینگ مرتون، است که دیدگاه آمریکایی به آنومی می بخشد و آنومی را ناشی از فروپاشی ساختار فرهنگی می داند و بیشتر در زمینه کج روی و آسیب اجتماعی آنومی را به کار می برد ولی به هرحال زحمت جامعه شناسان آمریکایی سبب می شود که آنومی جهانی تر شود و مورد استفاده ی بیشتری قرار بگیرد، وی از چهار شیوه انطباق با شرایط آنومیک صحبت می کند (آقابخی، ۱۳۷۹: ۴۲-۵۷).

۱- هم نوایی: اغلب افراد آرزوهای خود را کاهش داده و با هنجارهای اجتماعی معمول، همنا می شوند.

۲- طغیان: در این حالت بعضی افراد عصیانگر از پذیرش ساختار اجتماعی معمول سرباز می زنند و در صدد ایجاد یک نظم اجتماعی جدید از طریق فعالیت سیاسی یا جایگزینی سبک زندگی جدید بر می آیند.

۳- بدعت گرایی: در این وضعیت بعضی به طرف نوگرایی گرایش می یابند. مرتن این دسته را چنین تعریف می کند: کسانی که برای دست یابی به موفقیت از وسایل غیرمشروع استفاده می کنند. به ویژه جرائم سازمان یافته مانند تجارت مواد مخدر.

۴- گوشه گیری: پاسخ آخری که مواد مخدر را تبیین می کند، انزوا طلبی است. افرادی که از هر فعالیتی جهت دست یابی به اهداف اجتماعی معمول دوری می کنند و طرفدار کج روی می شوند. پناه بردن به مصرف مواد مخدر به معتاد اجازه می دهد وقت و انرژی خود را برای دست یابی به اهداف قابل حصول صرف کند و مصرف را بیشتر کند. دان والدورف معتقد است: پناه بردن به هروئین نیازمند یک زندگی فعال است. چنانچه روانشناسان ادعا دارند معتاد ممکن است افسرده روان پریش باشد و یا مواد را برای فرار از واقعیت های زندگی اش مصرف کند. اما او در مورد

الزامات زندگی که نیازمند توانایی و مهارت قابل ملاحظه‌ای است، فعال‌تر می‌شود. برخی معتقدند اعتیاد اندک، انحراف محسوب نمی‌شود، یعنی فعالیت‌ی پاره وقت که هرازگاهی فرد را به خود جلب می‌کند اما کل زندگی او را در بر نمی‌گیرد. در مقابل، برخی دیگر معتقدند اعتیاد معتاد را درگیر زندگی فعالی می‌کند که اهداف مشخص دارد و در صدد برآوردن نیازهای جسمی خاصی است، اگرچه انگیزه افراد برای مصرف مواد با شیوه‌های روی آوردن به هروئین بین معتادان، متفاوت است، فرد به طور واضح یک سائق جذاب را تجربه می‌کند، زندگی فعالی دارد و بخش مهمی از یک گروه اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۰۴-۱۲۳).

بیان مسأله

اعتیاد به مواد مخدر پدیده‌ای جدید و خاص زندگی مدرن است. چرا که مصرف مواد مخدر اگر هم در گذشته وجود داشت، به عنوان اعتیاد و یا انحراف شناخته نمی‌شد. اما با گسترش فرهنگ مدرن، ارزش‌ها و هنجارهای مدرن نیز رواج یافته و کنش‌ها و رفتارهایی چون اعتیاد به مواد مخدر متعارض با هنجارها تلقی شده و علم جامعه‌شناسی نیز که وظیفه شناخت و تأثیرات هنجارها را دارد، انحرافات اجتماعی را مورد کاوش و پژوهش قرار داده و به تبیین علل و عوامل پیامدهای انحرافات می‌پردازد (عفتی، ۱۳۷۹: ۲۲-۲۷).

هر انسانی تحت تأثیر ارزشها، هنجارها، آداب و رسوم و ایده‌هایی است که در جامعه تبلیغ و منتشر میشود، اما در جوامع در حال گذر که تغییرات سریع فرهنگی حاصل میشود فرد دچار آنومی شده و خودباختگی فرهنگی پدید آمده و ارزشها روز به روز تغییر میکند و اختلال هنجاری ایجاد میشود که این مسائل در ایجاد انحرافاتمانند اعتیاد بی تأثیر نیست. اطلاع والدین از روند کارهای فرزندان، اوآنان را در جریان چگونگی مناسبات، زبان محاوره‌ای فرزندان با دیگران، همسالان و همبازی‌ها و تعامل‌های پیرامون آن قرار می‌دهد. بررسی رفتار منظم و نامنظم فرزندان برای شناخت بیشتر وی ضروری است. در هنگام انجام رفتارها می‌توان با هیجانات و انگیزه‌های فرزندان آشنا شد. و کاهش تأثیر عوامل مخرب فرهنگی از طریق هم‌اندیشی با کودک، حایز اهمیت بسیار است (فرجاد، ۱۳۶۹: ۳۴). نداشتن دوست و هم‌سخن برای طفل یک مصیبت است، ولی مؤانست فرزندان ما با کودکان فاسد و با فرهنگ‌های غیرمتعارف و غیرمرسوم و یا ناشناخته مصیبتی بزرگ‌تر است. از یک سو، دوستان و معاشران کودک را نباید به سادگی از دور و بر او کنار گذاشت و از سوی دیگر، نباید اجازه داد فرزند ما با کودکی فاسد محشور و مأنوس باشد. از مسائل مهمی که نیاز به

آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۲۸-۱۳ ساله شهر تهران.....۳۷

نظارت والدین دارد، کنترل دوستان و رفقای کودک است و این امری است که باید با ملایمت انجام گیرد. اگر فرزند ما از دوستی و رابطه با یکی منع می‌شود باید دلایلش برای او روشن گردند و در ضمن، باید کسانی را که دوست و معاشر خوبی برای فرزندان ما هستند انتخاب کنیم و یا دست کم سعی کنیم افراد مطمئنی را در سر راه آن‌ها قرار دهیم تا خود به گزینش دوست پردازند. در همه حال، رفت و آمدها و روابط فیما بین کودکان باید زیر نظر والدین باشد تا عوارضی پدید نیایند. کودکان به نحوی با هم داد و ستد دارند؛ اخلاق و رفتار و نیز اطلاعات مفید و مضر را با همدیگر مبادله می‌کنند و از این طریق، به جلب نظر و عنایت به هم می‌پردازند. مدرسه و معلم نیز از نظر برنامه، روش، ارزیابی و جنبه‌های انضباطی حاکم، می‌توانند برای کودک سرنوشت‌ساز باشند (آقابخی، ۱۳۷۹: ۴۲-۵۶). انتخاب مدرسه برای فرزندان، همانند انتخاب نام مناسب برای کودک، از جمله وظایف والدین و نیازمند دقت است. اسلام از والدین خواسته است که فرزندان خود را در محل مناسبی به دست افراد شایسته‌ای بسپارند و این حقی برای کودک به حساب می‌آید. والدین، به لحاظ نزدیکی به کودک و تأثیر زیاد بر او و داشتن وقت کافی، باید بدانند که فرزندان خود را به کدام مدرسه و به دست چه کسانی می‌سپارند. معلمان آن‌ها چه کسانی هستند، حتی مدیر و مستخدم مدرسه چه افرادی هستند. آیا آن‌ها تقویت‌کننده فرهنگ خانواده هستند یا مغایر با آن، یا در مدرسه، فقط انضباط حاکم است؟ مدرسه آزادی مشروط و مفید را به کودک آموزش می‌دهد، اصول و ضوابط کلی حیات را به کودکان می‌آموزد، نوع روابط انسان‌ها را به دانش‌آموزان خود یاد می‌دهد تا آن‌ها بدانند در برابر پدر و مادر، دوستان و معاشران خود چگونه رفتار کنند و برای ادامه حیات شرافتمندانه و سازگارانه چه راهی در پیش بگیرند. مدرسه مفاهیم و مصادیق خوب و بد، زشت و زیبا، و صواب و خطا را به کودکان یاد می‌دهد؛ اینکه چه عملی درست است و چه عملی نادرست. معلمان مدرسه همانند شاگردان آن، مستخدم‌ها و سایر کارکنان دفتری، باید دارای ویژگی‌های برجسته اخلاقی و فرهنگی باشند (مصلحی، ۱۳۷۹: ۷۳). این‌ها همه مسائل فرهنگی است که نبود آن و کوتاهی در آنها موجب آنومی و ناهنجاری می‌شود و ممکن است فرزندان در رویارویی با آنها توان مقابله نداشته و به انحرافات مختلف کشیده شوند انحرافاتمانند اعتیاد و

جدا از این مسئله، اعتیاد پدیده‌ای آشنا برای هر ایرانی است. روزانه ۲۰۰۰ کیلو از انواع مواد مخدر در کشور ما مصرف می‌شود و سالانه ۱۲۰ تن از این مواد کشف و ضبط می‌شود. ایران

تبدیل به معبر ترانزیتی برای مواد مخدر شده، جوانان و نوجوانان به طور بالقوه در معرض اعتیاد به مواد مخدر هستند و اعتیاد در میان دانش آموزان و دانشجویان از مسائل روز و مورد توجه در جامعه است. افراد و جوانان بسیاری نیز برای کسب درآمد به تجارت مواد مخدر می پردازند و باندهای بزرگ سوداگر مرگ درآمدهای هنگفتی از این زمینه کسب می کنند که طی گزارشی، سالانه ۶۰۰ میلیارد دلار سود تجارت مواد مخدر در جهان است. بنابر این اعتیاد به مواد مخدر از مسائل و معضلات اجتماعی عصر حاضر خصوصاً در کشورهایی مانند ایران با شرایط اجتماعی جوان و شرایط جغرافیایی خاص خود می باشد. فرد معتاد به علت این که پا را فراتر از هنجارها و ارزش های اجتماعی گذاشته، منحرف تلقی می شود. او بیماری فردی و روانی ندارد، مجرم هم نیست. وی بیماری است که معلول شرایط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی است و منحرفی است که مسیر انحرافی اش، او را به دیگر انحرافات نیز سوق می دهد. در جامعه ای مانند ایران اعتیاد از مرز مسئله و پدیده اجتماعی گذشته، تنها به عنوان یک انحراف نیز نباید تلقی شود، اعتیاد بحرانی اجتماعی برای ایران است که اگر به آن رسیدگی نشود، انواع و اقسام انحرافات، بیماری ها و مشکلات اجتماعی را در آینده ای نزدیک به دنبال خواهد داشت (مجویی منش، ۱۳۸۰: ۴۱). در این مقاله سعی شده ضمن تعریف پدیده اعتیاد، به بررسی رابطه بین آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر پرداخته شود و نظریه های مربوط به اعتیاد نیز بررسی شده و در انتها برخی راهکارها و راه حل های مورد اشاره در زمینه رفع معضل اعتیاد نیز مورد توجه قرار گیرد.

هدف تحقیق

هدف کلی: شناخت رابطه بین آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر؛

اهداف جزئی:

- ۱- بررسی آنومی فرهنگی؛
- ۲- بررسی تأثیر بدبینی در گرایش افراد به اعتیاد؛
- ۳- بررسی تأثیر بی اعتمادی در گرایش افراد به اعتیاد؛
- ۴- بررسی تأثیر سردرگمی و اغتشاش بین هنجارها در گرایش افراد به اعتیاد؛
- ۵- بررسی تأثیر بی محتوایی در زندگی در گرایش افراد به اعتیاد؛
- ۶- ارائه راهکاری مناسب در جهت کاهش اعتیاد در کشور.

ادبیات تحقیق

تحقیقات خارجی

در زمینه «ارتباط آشفتگی خانواده و مصرف مواد مخدر» نیز فارو و برسینگ (۱۹۹۰) بر روی ۳۴۳ نوجوان دست به انجام یک تحقیق زدند. در نتیجه این پژوهش مشخص شد که کسانی که به مصرف زیاد الکل و مواد مخدر می‌پرداختند، اغلب دارای خانواده‌هایی با زمینه آشفته بودند.

سیمونز و رابرتسون (۱۹۸۹) در یک آزمون با نمونه آماری ۳۴۳ نفر پسر که شامل افراد معتاد و غیر معتاد می‌شد به یک رابطه دو جانبه مشخص میان برخی شاخص‌های رفتاری والدین و وارد شدن فرزندان به گروه‌های منحرف هم سن و سال و نهایتاً مصرف مواد مخدر پی‌بردند. بر اساس یافته‌های این پژوهش طرد فرزندان توسط والدین از اهمیت ویژه‌ای در گرایش فرزندان نسبت به گروه‌های منحرف هم سن برخوردار است. این محققان هم‌چنین باور داشتند که طرد فرزندان توسط والدین، قابلیت اتکاء و اعتماد به نفس آنان را خدشه دار می‌نماید (نوابخش و ثابتی، ۱۳۸۷).

بر اساس نتایج مطالعات بروک، نومرا و کوهن (۱۹۸۹) الکی‌های دائم الخمر (نوشندگانی که مصرف آن‌ها بالاتر از حد طبیعی است) و مصرف کنندگان مواد مخدر اغلب بیان می‌کنند که دارای تجارب سخت ناسازگاری و تعارض بین والدین و فقدان انسجام خانوادگی می‌باشند. هم‌چنین تعارض کمتر در محیط خانواده و رابطه مناسب والد - فرزندی با مصرف کمتر مواد مخدر توسط نوجوانان مرتبط است.

نتایج مطالعات ارفورد (۱۹۹۴) در خصوص «علل اعتیاد در میان دانشجویان در آمریکا» نشان می‌دهد که اکثر دانشجویانی که معتاد بودند دچار سرخوردگی‌های ساختاری و محیطی بودند. عدم رسیدگی به خواسته‌های عاطفی آنان توسط اجتماع از علل گرایش آنان به اعتیاد است (نوابخش و ثابتی، ۱۳۸۷).

بویل (۲۰۰۰) نیز در مطالعه‌ای به «بررسی وجود اعتیاد در خانواده و تأثیر آن بر روی آوردن افراد به اعتیاد» می‌پردازد. او اعتقاد دارد که برادر بزرگتر معتاد اثر بیشتری در سوق دادن نوجوانان و جوانان به اعتیاد دارد.

هافمن (۲۰۰۲) و سربون (۲۰۰۲) نیز در مطالعات خود به «تأثیر اعتیاد والدین در گرایش افراد به اعتیاد» پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش آنان زمانی که والدین مواد مخدر مصرف می‌کنند احتمال بیش‌تری وجود دارد که فرزندان‌شان نیز معتاد گردند.

۴۰.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸

طبق یافته‌های پژوهشی پیکو (۲۰۰۰)، خلأ عاطفی در روابط فرزندان با والدین به خصوص پدر از عوامل گرایش آنان به اعتیاد است.

نازروول اسلام (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «سبک‌های جنسی زندگی و پایگاه اجتماعی معتادان در بنگلادش» به این نتیجه می‌رسد که معتادان جوان با تحصیلات متوسطه، درآمدهای پایین و متوسطی داشته و هم‌چنین شدت اعتیاد مردان متأهل بیش‌تر از مردان مجرد است. او در ادامه بر تأثیر معاشرت با دوستان معتاد در گرایش افراد به مواد مخدر می‌پردازد.

تحقیقات داخلی

فرحناز صالحی جونقانی (۱۳۷۹) نیز در پژوهش خود تحت عنوان بررسی تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی بر اعتیاد، به این نتایج دست می‌یابد که اکثریت معتادان از وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایینی برخوردارند. هم‌چنین بین سطح تحصیلات والدین، میزان درآمد، میزان انزوای طلبی، میزان ناکامی در زندگی و میزان امید به آینده و اعتیاد رابطه معنی‌دار وجود دارد.

کوثری (۱۳۸۰) در تحقیق خود تحت عنوان «جامعه‌شناسی اعتیاد» در تبیین منشأ اجتماعی آن، زندگی در مناطق محروم، فقر شدید، خانه‌های مخروبه، خانواده‌های از هم پاشیده و سایر نابسامانی‌ها را منظومه عواملی می‌داند که باعث انحرافات رفتاری از این‌گونه می‌گردد و هم‌چنین معتقد است که اعتیاد اثرات سؤ‌زیادی بر سطح خانوادگی افراد دارد. فی‌المثل طلاق می‌تواند به - عنوان یکی از نتایج همراه‌کننده اعتیاد تلقی شود.

منصوره حاج حسینی و مهناز اخوان تفتی (۱۳۸۲) در تحقیقی به بررسی «تأثیر سبک اسناد بر میزان گرایش و ابتلای جوانان به اعتیاد» پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه جوانان ۱۸-۲۸ سال ساکن شهر یزد در قالب دو گروه معتاد و غیر معتاد بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش - نامه سبک اسنادی، استفاده به عمل آمد. در پایان مشخص شد که سبک تبیین جوانان معتاد برای وقایع خوشایند و ناخوشایند، بدبینانه‌تر از جوانان غیر معتاد است.

جعفر بوالهیری (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان «ارزیابی مصرف مواد مخدر در زندان‌های ایران» به بررسی میزان شیوع مصرف مواد مخدر در بین زندانیان زندان‌های کشور پرداخته است. این پژوهش به صورت مطالعه کمی و کیفی و به روش مقطعی انجام گرفته است. مقایسه مصرف مواد مخدر در قبل و بعد از ورود به زندان، رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهد. در مورد سلامت روانی مصرف‌کنندگان نیز ۱۲/۵٪ افراد سالم و ۸۷/۵٪ مشکوک به اختلال روانی بودند. بین مصرف مواد

آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۲۸-۱۳ ساله شهر تهران..... ۴۱

مخدر در زندان و اختلالات، شکایات جسمانی، وسواس و اجبار، افسردگی و روان پریشی رابطه معنی دار وجود دارد. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش بیشترین ماده مصرفی در زندان تریاک بوده است (نوابخش و ثابتی، ۱۳۸۷)..

حسین محبوبی منش (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان «اعتیاد مردان تهدیدی علیه زن و خانواده»، به بررسی پیامدهای اعتیاد مردان در جامعه و خانواده می‌پردازد. وی اعتقاد دارد با توجه به این که مردان، اکثریت معتادان به مواد مخدر را تشکیل می‌دهند، در نقش همسر یا پدری معتاد تهدیدی جدی بر حیات فردی و خانوادگی زنان و آسیبی عمیق بر کیان خانواده محسوب می‌شوند. وی پیامدهای اعتیاد مردان را چنین برمی‌شمارد: پیامدهای فردی شامل عوارض جسمانی، عوارض روانی، اختلالات رفتاری، پیامدهای خانوادگی شامل نابسامانی و فروپاشی خانواده، اختلال در روابط عاطفی و جنسی زوجین، معتاد نمودن همسر، روسپی‌گری همسر، خشونت علیه زن، انتقال ایدز و اختلال در روابط پدر با فرزندان و پیامدهای اجتماعی شامل استهلاک سرمایه‌های اجتماعی و مادی، کاهش امنیت اخلاقی و اجتماعی، تضعیف اقتصادی، استحاله فرهنگی و استحاله سیاسی می‌داند.

چهارچوب نظری

جامعه‌شناسان و نظریه پردازان طی یکی دو قرن گذشته نظریات متفاوت و راهگشایی در زمینه انحرافات اجتماعی منتشر کرده اند که هر کدام با توجه به ساختار جامعه و شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه می‌تواند تبیین کننده انحرافات و ارائه دهنده راه حل در این زمینه باشد. در اینجا به هفت نظریه که به طور کلی می‌تواند تبیین کننده اعتیاد به مواد مخدر در جامعه ایران باشد به خصوص با توجه به اعتیاد در اقشار مختلف جامعه، اشاره می‌نماییم.

نظریه انحرافات مرتون

نظریه انحرافات که متعلق به رابرت کی مرتون جامعه‌شناس مشهور آمریکایی می‌باشد، تبیین کننده پدیده اعتیاد در کشورهایی مانند ایران نیز می‌باشد. مرتون علت ریشه‌ای انحرافات را شرایط ساختی جامعه می‌داند و بر خلاف دورکیم معتقد است که فرد در جامعه به ارزش‌ها و هنجارها توجه زیادی ندارد و به جای اعتنا به آنها، هنجارها را در معرض انتقاد قرار می‌دهد. به نظر وی دو ساخت اساسی در جامعه وجود دارد یعنی «اهداف نهادی شده» و «وسایل نهادی شده»

که ارزش ها و امور مطلوب و شیوه های استاندارد کنش برای رسیدن به آن اهداف در جامعه است. تعامل بین این دو ساخت موجب بروز رفتارها و شخصیت های مختلف و گاه متناقض در جامعه می شود. به نظر مرتون، چهار تیپ «مناسک گرا» یا «شعائر گرا»، «انزوا طلب»، «نوآور» یا «بدعت گذار» و «انقلابی» یا «شورشی» در کنار «همنوایان» معلول شرایط جامعه و برخورد این دو ساخت هستند که هر کدام شیوه خاص انطباق فردی با این دو ساخت است. یکپارچگی و انسجام در جامعه هنگامی است که میان این دو ساخت اساسی تعادل وجود داشته باشد. اما اگر اهداف و ارزش های نهادی شده مانند منزلت و ثروت در جامعه تبلیغ شود و جامعه پذیری، ارزش ها و هنجارها، آموزش و پرورش و رسانه ها و تبلیغات بر آن تأکید ورزند و در کنار آن وسایل دسترسی به این اهداف وجود نداشته باشد، تیپ های مختلف شخصیتی و رفتاری بروز و ظهور می یابند (توسلی، ۱۳۸۰).

درباره پدیده اعتیاد به مواد مخدر دو تیپ انزوا طلب و بدعت گذار می توانند مورد توجه قرار گیرند. انزوا طلب، شیوه انطباقی فردی است که در آن، افراد به دلیل ناموفق بودن در دسترسی به اهداف اجتماعی سعی کرده اند خود را از جامعه دور نگهدارند. شیوه نگرش منفعت جویانه را به طور کلی رها کرده اند و به این ترتیب هم ارزش های مسلط و هم وسایل مورد قبول دستیابی به آنها را رد می کنند. این افراد احتمالاً بارها تلاش کرده اند تا با شیوه های هنجاری به سمت اهداف اجتماعی حرکت کنند اما عدم توفیق مکرر آنها، باعث سرخوردگی و دور شدن از مسیر تبلیغ اهداف و وسایل استاندارد شده است.

برای تحلیل مسأله اعتیاد در ایران از منظر تئوری مرتون باید جامعه فعلی ایران را از بعد تغییر ارزش ها از سنتی و مذهبی به ارزش های مدرن مورد توجه قرار دارد. در کنار این مسأله تبلیغ مصرف گرای، نابرابری های شدید اقتصادی، رشد روزافزون فقر و در نتیجه ارزشمند شدن ثروت در جامعه، تغییر نظام ارزشی جامعه را تشدید می کند. در این شرایط تأکید بر اهدافی که وسایل دسترسی به آن به طور قانونی فراهم نیست نه فقط فرد فرد انسان ها بلکه کل نظام اجتماعی را دچار عدم تعادل و آشفتگی و نابسامانی می کند و بستر را برای ظهور رفتار انحرافی فراهم می کند. همین مسأله فرد را از جامعه و ارزش های آن جدا می کند و در اکثر موارد نیز وی را با ناکامی روبه رو می سازد که برای جبران ناکامی ها گرایش به مواد مخدر امری عادی است. اما نوآورها هم در پدیده اعتیاد نقش دارند چه آنها اهداف نهادی شده و کسب منزلت و ثروت را دنبال می

آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۲۸-۱۳ ساله شهر تهران..... ۴۳

کنند اما نه با روش‌ها و هنجارهای عادی و پذیرفته شده که قاچاقچیان مواد مخدر و سوداگران مواد افیونی که نقش بسزایی در گسترش اعتیاد به مواد مخدر دارند نمونه بارز نوآوران و بدعت‌گذاران در جامعه می‌باشند. به طور کلی از نظر مرتون، شرایط نابسامان اقتصادی و اجتماعی موجب گرایش به اعتیاد می‌شود و در اصل اعتیاد جرم نیست، نوعی بیماری اجتماعی است که اگر از ابتدای وقوع آن به فکر اصلاح و پیشگیری نباشیم ممکن است به دیگران نیز سرایت کند و بیماری عمومی و بحرانی اجتماعی پدید آورد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۳۸-۴۲).

در هر حال، این نظریه که در اصل میانبرد بوده، می‌تواند به تبیین اعتیاد به مواد مخدر در جوامع بسیاری از جمله ایران بپردازد. چرا که منزلت و ارزش ثروت در چند ساله اخیر بسیار زیاد شده، در حالی که راه‌های رسیدن به آن بسیار کم است و بر این مبنای قاچاق مواد مخدر و در کنار آن مزوری‌های بسیاری به وجود آمده‌اند که مایوس و سرخورده به اعتیاد روی می‌آورند.

نظریه برجسب زنی

نظریه برجسب زنی که توسط لمرت و بکر منتشر شد برای این مبناست که انحراف، فرآیندی است که توسط آن برخی مردم موفق می‌شوند برخی دیگر را منحرف تعریف کنند. در مورد اعتیاد، اولین بار کسی که از روی کنجکاوی، آزمایش یا سرخوردگی رو به مواد مخدر می‌آورد، اصلاً این عمل را اقدامی انحرافی نمی‌پندارد اما چون این کنش توسط افراد مهم دیگر چون دوستان، والدین، مقامات رسمی و پلیس و... انحراف تلقی می‌شود و با مجازات روبه‌رو می‌گردد، فرد برجسب بزهکار، منحرف و معتاد را از دیگران دریافت می‌کند و طرز رفتار دیگران با وی بر مبنای همین برجسب تنظیم می‌شود. در نتیجه فردی که از ابتدای قصد عمل انحرافی و کجروی نداشته به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه خود نیز این برجسب را می‌پذیرد، تصویری جدید از خود می‌سازد و کنش وی با دیگران نیز بر مبنای همین برجسب تعریف و تنظیم می‌شود. این مسأله می‌تواند به انحرافات ثانویه و ناهم‌نوایی مداوم فرد در جامعه نیز منجر می‌شود (کرم پور، ۱۳۷۹: ۲۲-۲۴).

مشاهدات و تحقیقات در ایران بر این مسأله گواه است که تلقی عمومی و نگاه حاکمان و سیاست‌پردازان از اعتیاد، مسأله‌ای شخصی و فردی است و فرد معتاد نیز مجرم تلقی شده و همیشه مورد سرزنش و نفرت است. معمولاً افراد معتاد از جامعه طرد شده‌اند و با سخت‌ترین مجازات از سوی حکومت، خانواده و دوستان مواجه شده‌اند و همین برجسب مجرم بر معتاد وی را در عزلت و

انزوا و دوری از جامعه قراردادده و این گونه افراد نیز هر روز سعی می کنند رفتار خود را با این برچسب وفق دهند که خطرات فراوانی برای فرد و جامعه در پی دارد.

نظریه اختلال هنجاری (آنومی)

یکی از نظریاتی که بیشتر از دورکیم و پارسونز و به طور کلی کارکردگرایان وام گرفته شده نظریه اختلال هنجاری می باشد. بعد هنجاری ساختار اجتماعی در جامعه بسیار با اهمیت است که اگر در آن اختلال روی دهد، حس همبستگی و انسجام در جامعه را مختل کرده و فرد را از نظر الگوی رفتاری دچار مشکل کرده و آنومی را در وی تقویت می نماید که از این لحاظ گرایش به انحرافات چون اعتیاد به مواد مخدر اجتناب ناپذیر است. این اختلال به صورت های مختلف در جامعه حضور پیدا می کند که به آنها اشاره می نمایم.

۱- قطبی شدن هنجارها؛ هنگامی که دو قطب مخالف یا جدا از همدیگر برای فرد هنجار فرستی کنند و توزیع جمعیت بر حسب میزان فشار هنجاری، نرمال نباشد، توزیع جمعیت دونمایی بوده و به جای اکثریت، اقلیت جامعه، متوسط هنجاری را درک کنند، قطبی شدن هنجاری ایجاد می شود. برای مثال اگر خانواده فرد را به هنجارهای سنتی و مذهبی دعوت کند و از سوی دیگر گروه دوستان، فرد را به مصرف مواد مخدر تشویق نماید، این مسأله ممکن است به نفع هر کدام از طرفین تمام شود که میزان اهمیت و احترام هر طرف در پذیرش هنجار مورد نظر از سوی فرد مؤثر خواهد بود.

۲- تضاد هنجاری؛ در برخی جوامع، اعضای جامعه به دو گروه تقسیم می شوند و هر گروه در فضای هنجاری متفاوت سیر می کند که این مسأله به ظهور دو مجموعه هنجار متفاوت می انجامد که ممکن است هنجارهای طبقه متوسط با طبقه حاکم، نسل امروز با نسل گذشته و یا گروه های مختلف با همدیگر متضاد باشد و در کنار این مسأله که گروه هایی ممکن است به انحرافات سوق پیدا کنند و هنجارهای غیر اخلاقی را رواج دهند.

۳- ناپایداری هنجاری؛ تناقض منطقی میان دو یا چند هنجار در یک نظام هنجاری موجب می شود که هر کدام از هنجارها براساس خرده فرهنگ های متفاوت بر مسأله خاصی تأکید کنند و فرد با ناپایداری هنجاری مواجه شود. در مورد اعتیاد برخی خرده فرهنگ ها که اعتیاد را امری مطلوب و منزلت بخش می دانند در ناپایداری هنجاری تأثیر فراوان دارند.

آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۲۸-۱۳ ساله شهر تهران.....۴۵

۴- ضعف هنجاری؛ هنگامی که احساس تعلق و تعهد نسبت به هنجارها پایین تر از میانگین لازم باشد و فشار هنجاری لازم وجود نداشته باشد، ضعف هنجاری ایجاد می شود که در این شرایط فرد الگوی رفتاری لازم برای کنش در جامعه را ندارد و با مشکلات جدی در این زمینه مواجه می شود و حتی ممکن است برخی انحرافات مانند اعتیاد به مواد مخدر را اصلاً انحراف تلقی نکند.

۵- بی هنجاری؛ بی هنجاری یا آنومی که تأخر هنجاری و خلأ هنجاری در جامعه است، بیشتر مخصوص جوامع در حال گذار است که فرد به دلیل تغییرات سریع فرهنگی و اجتماعی هیچ هنجاری را نمی شناسد و قبول ندارد و این مسأله عامل و نیز تشدید کننده پدیده هایی مانند اعتیاد است (رفیع پور، ۱۳۷۸: ص ۵۲).

در مجموع جامعه ایران را می توان در چهار بعد اولیه، دچار ضعف و اختلال دانست که چنین روندی، فرد فرد ایرانیان را به تدریج دچار آنومی کرده و در فضای آنومیک و اختلال هنجاری وجود و گسترش انحرافاتمانند اعتیاد اجتناب ناپذیر است.

نظریه یادگیری

نظریه یادگیری یا فراوانی معاشرت که از سوی نسل دوم محققین شیکاگو مورد توجه قرار گرفت، با مطالعات قوم نگاری و مصاحبه و تحقیقات انسان شناسی اجتماعی به این عقیده رسید که جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه های اجتماعی واقع می گردد. «سادر لند» با این تحقیقات، خرده فرهنگ های گوناگون در شهرهای بزرگ را مورد توجه قرار داد و معتقد بود در برخی مناطق شهری، کجرفتاری در جریان کنش متقابل با دیگران آموخته می شود. بخش اصلی یادگیری رفتار کجرو در اثر ارتباط صمیمی درون گروه انجام می گیرد و در جریان این یادگیری، تکنیک های ارتکاب جرم، توجیهات و انگیزه ها و گرایش ها آموخته می شود و الگوی رفتار انحرافی برای فرد مهم تر و ارزشمندتر از الگوی قانونی موجود تلقی می گردد و با توجه به فراوانی معاشرت، این رفتار به هنجار جا افتاده در فرد مبدل می شود.

این محققان نتیجه می گیرند که جامعه دارای سازمان های متفاوتی است که این سازمان ها در رفتار فرد تأثیر می گذارند و تنها زمانی رفتار انحرافی مانند اعتیاد به مواد مخدر آموخته می شود و رواج می یابد که توسط گروه های مختلف و خرده فرهنگ های متفاوت در معاشرت بین افراد انتقال یابد و به قول «هاوارد بکر» اگر فردی به تنهایی و بدون یادگیری از مواد مخدر استفاده کند نه تنها لذتی از آن نبرده، بلکه احساس نارضایت و وحشت نیز خواهد کرد (ممتاز، ۱۳۸۱، ص ۸۲). بر

مبنای این نظریه می توانیم در جای جای شهرهای بزرگی مانند تهران، خرده فرهنگ هایی را به خصوص در مناطق حاشیه ای مشاهده کنیم که اعتیاد را امری نه چندان ناهنجار تلقی می کنند و در اثر معاشرت جوانان و نوجوانان در رابطه های دوستی و خانوادگی و حتی در مدرسه این الگوی رفتاری آموخته شده و مورد تأیید قرار می گیرد، تا آنجا که اعتیاد به الگوی رفتاری مطلوب فرد بدل شده و از طریق معاشرت بیشتر، برای فرد درونی می گردد. در اینجا می توانیم به این نظریه نکته دیگری نیز اضافه کنیم که تنها یادگیری، در مناطق حاشیه ای و در حال تغییر و تبدل صورت نمی گیرد و ما به خصوص در ایران نباید از یادگیری کجروی در دو مکان، یکی زندان و دیگری میهمانی ها و پارتی ها غافل شویم چرا که آمار و مشاهدات فراوانی در این زمینه وجود دارد که افراد زیادی پس از حضور در زندان به اعتیاد مبتلا می شوند و یا جوانان بسیاری در میهمانی ها و... برای کسب منزلت و عقب نماندن از دیگران، این رفتار را آموخته و به آن دچار می گردند که این مورد اصلاً متعلق به گروه های پارازیتی و حاشیه ای نیست و اعضای طبقه متوسط و حتی فرزندان نخبگان اقتصادی و سیاسی و فرهنگی را در بر می گیرد.

نظریه اوقات فراغت:

جرج زیمل یکی از جامعه شناسان کلاسیک آلمانی بود، که یکی از نظریات او درباره جامعه شناسی اوقات فراغت می تواند تبیین کننده رواج اعتیاد به مواد مخدر در جامعه باشد. به اعتقاد او در فرهنگ مدرن و در روند تاریخ جدید، آزادی فزاینده فرد از بندهای وابستگی شدید اجتماعی و شخصی ظهور می یابد، صورت های فرماندهی و فرمانبری نیز خصلت تازه ای به خود می گیرند و هیچ فردی تحت چیرگی تام دیگران در نمی آید. انواع گسترده ای برای گذران فراغت وجود دارد که به فرد امکان می دهد خود را از دیگران متمایز سازد که روش ها و اعمال پرشتاب و مد این تمایز هویت شخصی را شکل می دهند. بر این مبنا هر کس برای متمایز شدن، روش خاص پی می گیرد که ماجراجویی در زندگی مدرن را رواج می دهد. فرد در این فضا می کوشد تا از جریان های یکنواخت زندگی روزانه بیرون رود و در قلمرو فعالیتی با قواعد ویژه گام نهد. بنابراین در جوامع مدرن و جوامعی که به سوی مدرنیسم گام بر می دارند و فرهنگ مدرن در آن تبلیغ شده، فرد در قلمرو اوقات فراغت، جهان عقلگرا، بوروکراتیک و افسون زدایی شده را کنار می نهد و فرصتی برای او فراهم می شود تا اجبارها و محدودیت های نظم اجتماعی را فراموش کند و به کنش غیرهنجاری دست زند (سخاوت، ۱۳۸۵: ۵۶-۵۵).

آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۲۸-۱۳ ساله شهر تهران.....۴۷

با توجه به این دیدگاه، می‌توانیم به افراد آزاد و فردگرای امروزی اشاره کنیم که با توجه به ذات حیات مدرن، پا را فراتر از قید و بندها نهاده و جستجوگرانه و ماجراجویانه برای تفریح و گذر وقت، به اعتیاد روی می‌آورند و این امر را تنها تفریح و نوعی گذراندن اوقات فراغت ویژه و متمایز از دیگران می‌پندارند. این نظریه می‌تواند تبیین‌کننده بسیار خوبی برای اعتیاد در اقشار مرفه و طبقات بالای جامعه باشد، چرا که آنان همیشه سعی می‌کنند در اعمال خود از دیگران متمایز باشند، حتی در تفریحات، گرچه این تفریح خاص، مصرف مواد مخدر باشد و به اعتیاد بینجامد.

نظریه فرصت‌های نابرابر:

«کلاوارد» و «اوهلین» از جامعه‌شناسانی هستند که بر پایه نظریه مرتون و بوم‌شناسی، به مسئله فراوانی فرصت‌های نابرابر پرداخته‌اند. آنها با تحقیقات خود متوجه شده‌اند که در مناطق خاصی که جوانان طبقه پایین در رقابت برای دستیابی به اهداف، ناموفق هستند و یا از قبل تلقی ناموفقیت می‌کنند. در حالی که جامعه آنان را به اهداف و ارزش‌ها تشویق می‌کند، این افراد نظام اجتماعی را مانع پیروزی و عامل شکست خویش می‌پندارند با استفاده از خشونت و شیوه‌های غیرقانونی خرده فرهنگ‌هایی را در این مناطق شکل می‌دهند. نکته مهم اینجاست که همه این افراد در کاربرد شیوه‌های غیرقانونی و دستیابی به اهداف از راه‌های نامشروع موفق نمی‌شوند و همین نابرابری فرصت برای رفتار انحرافی، موجب ایجاد خرده فرهنگ‌های متمایز در این مناطق و در بین افراد کجرو می‌گردد. دو گروه موفق‌تر بوده و دو نوع خرده فرهنگ کجرو و جنایتکار را تشکیل می‌دهند. اما افرادی که خرده فرهنگ‌های دوگانه (که یا به کجروی و دستیابی به اهداف از روش‌های غیرمشروع دست می‌یازند و یا خشونت گرا شده و به اموال شهری تجاوز می‌کنند) آنها را پذیرفته‌اند و هم در جامعه و هم در زاغه‌های زیرزمینی با ناکامی مواجه گشته‌اند، به خرده فرهنگ کناره‌گیر روی می‌آورند که شرط عضویت در آن علاقه به مصرف مواد مخدر است (پیران، ۲۱۱۳۶۸: ۲۱). در ایران، افراد حاشیه‌ای و طبقات بسیار پایین که در سرقت و جنایت و فساد و فحشا شکست خورده‌اند، به زندان افتاده‌اند، بین گروه دوستان سرخورده و شکست‌خورده تلقی می‌شوند و بر مبنای نظریه فرصت‌های نابرابر، در نیل به اهداف غیرمشروع از دیگران عقب مانده‌اند، به خوبی قابل مشاهده می‌باشند که اکثر این افراد خرده فرهنگ کناره‌گیر را تشکیل می‌دهند و در انزوای خویش به اعتیاد روی می‌آورند.

نظریه ناکامی منزلتی

جامعه شناس معاصر آمریکایی آلبرت کوهن که نظریه ناکامی منزلتی را از نظرات مرتون استخراج کرده، معتقد است طبقات پایین در جامعه از نظر دستیابی به منزلت دچار ناکامی هستند و این در حالی است که جامعه آنها را به کسب منزلت تشویق می کند و امکان دستیابی را در اختیار آنها قرار نمی دهد. طبقات پایین در جامعه پذیری، آموزش و پرورش و هنجارها و ارزش ها با تبلیغ خصایص و ارزش های طبقه متوسط روبرو هستند در حالی که از تحریک اجتماعی و حضور در این طبقه محروم هستند. همین مسئله موجب احساس یأس، سرخوردگی و ناکامی در این طبقه شده و افراد را به خرده فرهنگ های بزهکاری در مکان های سکونت خویش متمایل می کند که این خرده فرهنگ ها معمولاً خصوصیتی چون گرایش لذت جویانه، منفی نگری، میل به خشونت، آزادی و تنوع در کج رفتاری و استقلال و انسجام گروهی و میل به رفتار غیرمدنی دارد (مشکانی، ۱۳۸۱: ۱۱). در ایران نیز به علت شکست و سرخوردگی جوانان در کسب منزلت و ارزش، ناچاراً افراد به خرده فرهنگ های بزهکار روی می آورند که در این خرده فرهنگ ها کجروی هایی مانند اعتیاد خود ارزش و راه حل و حتی راه رسیدن به منزلت تعریف می شود. میل به اعتیاد از این منظر نه با هدف سودمندگرایانه بلکه برای لذت جویی و کسب منزلت انجام می شود و ناکامی منزلتی چنین پدیده ای را در میان طبقه های پایین جامعه ایجاب و ایجاد می کند.

فرضیه های تحقیق

- به نظر می رسد بین آنومی فرهنگی و گرایش به اعتیاد مواد مخدر رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد بین بدبینی افراد در زندگی و گرایش آنها به اعتیاد رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد بین بی اعتمادی افراد نسبت به خود و اطرافیان و گرایش آنها به اعتیاد رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد بین سردرگمی و اغتشاش بین هنجارهای فرد و گرایش آنها به اعتیاد رابطه وجود دارد.
- به نظر می رسد بین بی محتوایی در زندگی افراد و گرایش آنها به اعتیاد رابطه وجود دارد.

آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۲۸-۱۳ ساله شهر تهران.....۴۹

روش پژوهش

در این پژوهش، روش تحقیق پیمایشی می باشد، برای جمع آوری داده ها و اطلاعات مربوط به متغیرهای این تحقیق از پرسشنامه استفاده شده است. جمعیت این پژوهش شامل جوانان ۱۳-۱۸ معناد مناطق ۲-۶-۱۰-۱۴-۱۸ شهر تهران در سال ۱۳۸۸ می باشند.

جهت تعیین میزان روایی یا اعتبار ابزار اندازه گیری، از اعتبار صوری (محتوایی) استفاده شده است که در این روش از مشاوره و مصاحبه با اساتید و صاحب نظران موضوعی بهره گرفته شد. در این مطالعه، جهت تعیین میزان این قابلیت اعتماد و پایایی، و به عبارتی دقیق تر همسازی درونی گویه ها جهت سنجش مفهوم و متغیر ترکیبی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که ۰/۷۹ است.

روش آماری

داده ها با استفاده از روشهای آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها

داده ها به کمک آزمون آزمون همبستگی پیرسون تحلیل شدند. از نظر ویژگیهای جمعیت شناختی، میانگین سن افراد مورد پژوهش (۱۶/۳۴) بود. آزمودنی های معناد نیز دارای خصوصیات زیر- بودند: (۰/۴۳) تریاک، (۰/۴۹) هروئین، (۰/۸۱) کراک، (۰/۶۹) الکل، (۰/۳۲) مرفین، (۰/۷۴) شیشه، (۰/۲۰) کوکائین، (۰/۶۳) آمفتامین، (۰/۱۳) lsd، (۰/۶۲) انواع قرصها، (۰/۷۲) حشیش. بررسی رابطه بین آنومی فرهنگی و متغیرهایی که آنومی را با آن سنجیده ایم و اعتیاد به مواد مخدر با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون نتایج زیر را در بر داشت، و حاکی از ارتباط معنا دار بین این متغیرها است.

جدول شماره (۱) همبستگی بین بدبینی و اعتیاد به مواد مخدر

اعتیاد	بدبینی		
۰/۴۴	۱	همبستگی پیرسون	بدبینی
۰/۰۳	۰	سطح معناداری	
۲۳۷	۲۳۷	تعداد	
۱	۰/۴۴	همبستگی پیرسون	اعتیاد
۰	۰/۰۳	سطح معناداری	
۳۰۰	۲۳۷	تعداد	

۵۰.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸

بین دو متغیر بدبینی افراد ۱۳-۱۸ ساله مناطق ذکر شده و اعتیادشان به مواد مخدر، رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، که همبستگی بین این دو متغیر برابر ۰/۴۴ می باشد که همبستگی نسبتاً قوی است و رابطه مورد نظر قابل تعمیم به کل جامعه می باشد، همچنین مقدار به دست آمده از طریق آزمون ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۰۳ می باشد که از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد، در نتیجه فرض صفر تأیید نمی شود و فرضیه کلی ما مورد قبول می باشد و رابطه معنادار می باشد.

جدول شماره (۲) همبستگی بین بی اعتمادی و اعتیاد به مواد مخدر

اعتیاد	بی اعتمادی		
۰/۷۴	۱	همبستگی پیرسون	بی اعتمادی
۰/۰۲	۰	سطح معناداری	
۲۳۷	۲۳۷	تعداد	
۱	۰/۷۴	همبستگی پیرسون	اعتیاد
۰	۰/۰۲	سطح معناداری	
۳۰۰	۲۳۷	تعداد	

بین دو متغیر بی اعتمادی افراد ۱۳-۱۸ ساله مناطق ذکر شده و اعتیادشان به مواد مخدر، رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، که همبستگی بین این دو متغیر برابر ۰/۷۴ می باشد که همبستگی قوی است و رابطه مورد نظر قابل تعمیم به کل جامعه می باشد، همچنین مقدار به دست آمده از طریق آزمون ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۰۲ می باشد که از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد، در نتیجه فرض صفر تأیید نمی شود و فرضیه کلی ما مورد قبول می باشد و رابطه معنادار می باشد.

جدول شماره (۳) همبستگی بین سردرگمی و اغتشاش بین هنجارها و اعتیاد به مواد مخدر

اعتیاد	سردرگمی و اغتشاش بین هنجارها		
۰/۶۸	۱	همبستگی پیرسون	سردرگمی و اغتشاش بین هنجارها
۰/۰۲۹	۰	سطح معناداری	
۲۳۷	۲۳۷	تعداد	
۱	۰/۶۸	همبستگی پیرسون	اعتیاد
۰	۰/۰۲۹	سطح معناداری	
۳۰۰	۲۳۷	تعداد	

بین دو متغیر سردرگمی و اغتشاش بین هنجارها افراد ۱۳-۱۸ ساله مناطق ذکر شده و اعتیادشان به مواد مخدر، رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، که همبستگی بین این دو متغیر برابر ۰/۶۸ می

آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۲۸-۱۳ ساله شهر تهران..... ۵۱

باشد که همبستگی قوی است و رابطه مورد نظر قابل تعمیم به کل جامعه می باشد، همچنین مقدار به دست آمده از طریق آزمون ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۰۲۹ می باشد که از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد، در نتیجه فرض صفر تأیید نمی شود و فرضیه کلی ما مورد قبول می باشد و رابطه معنادار می باشد.

جدول شماره (۴) همبستگی بین بی محتوایی و اعتیاد به مواد مخدر

اعتیاد	بی محتوایی		
۰/۸۱	۱	همبستگی پیرسون	بی محتوایی
۰/۰۳۱	۰	سطح معناداری	
۲۳۷	۲۳۷	تعداد	
۱	۰/۸۱	همبستگی پیرسون	اعتیاد
۰	۰/۰۳۱	سطح معناداری	
۳۰۰	۲۳۷	تعداد	

بین دو متغیر بی محتوایی افراد ۱۳-۱۸ ساله مناطق ذکر شده و اعتیادشان به مواد مخدر، رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، که همبستگی بین این دو متغیر برابر ۰/۸۱ می باشد که همبستگی قوی است و رابطه مورد نظر قابل تعمیم به کل جامعه می باشد، همچنین مقدار به دست آمده از طریق آزمون ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۰۳۱ می باشد که از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد، در نتیجه فرض صفر تأیید نمی شود و فرضیه کلی ما مورد قبول می باشد و رابطه معنادار می باشد.

جدول شماره (۵) همبستگی بین آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر

اعتیاد	آنومی فرهنگی		
۰/۷۲	۱	همبستگی پیرسون	آنومی فرهنگی
۰/۰۳۷	۰	سطح معناداری	
۱۸۶	۲۳۷	تعداد	
۱	۰/۷۲	همبستگی پیرسون	اعتیاد
۰	۰/۰۳۷	سطح معناداری	
۳۰۰	۱۸۶	تعداد	

بین دو متغیر آنومی فرهنگی افراد ۱۳-۱۸ ساله مناطق ذکر شده و اعتیادشان به مواد مخدر، رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، که همبستگی بین این دو متغیر برابر ۰/۷۲ می باشد که همبستگی قوی است و رابطه مورد نظر قابل تعمیم به کل جامعه می باشد، همچنین مقدار به دست آمده از طریق

آزمون ضریب همبستگی پیرسون برابر با ۰/۰۳۷ می باشد که از ۰/۰۵ کوچکتر می باشد، در نتیجه فرض صفر تائید نمی شود و فرضیه کلی ما مورد قبول می باشد و رابطه معنادار می باشد.

بحث و نتیجه گیری

آنومی (ناهنجاری) نادرست که از سوی والدین، همسالان، افراد در اجتماع به فرد عرضه می شود او را در حالت نامناسب قرار داده و آماده پذیرش انواع انحرافات می کند. هر انسانی تحت تأثیر ارزش ها، هنجارها، آداب و رسوم و ایده هایی است که در جامعه تبلیغ و منتشر می شود. اما در جوامع در حال گذار که تغییرات سریع فرهنگی حاصل می شود، فرد دچار آنومی شده و خودباختگی فرهنگی پدیده آمده و ارزش ها روز به روز تغییر می کند و اختلال هنجاری ایجاد می شود که همه این مسائل در ایجاد انحرافاتمانند اعتیاد بی تأثیر نیست. در اینجا نباید از نقش تبلیغات نیز غافل ماند که مصرف مواد مخدر را در تسکین فکر و کاهش مشکلات ذهنی مؤثر می داند. با توجه به داده های حاصل از این پژوهش، مشخص شد اکثریت معتادین جامعه ایرانی در سنین - خیلی جوان به این بیماری دچار می شوند و تمامی افراد مورد مطالعه ما مجرد و از نظر میزان تحصیلات هم زیر دیپلم می باشند. در این مقاله آنومی را با متغیرهایی چون (بدبینی، سردرگمی و اغتشاش بین هنجارها، بی اعتمادی و بی محتوایی) سنجیده ایم. در تحلیل نتایج فوق باید اذعان داشت که به زعم اندیشمندان و مباحثی که مطرح شده بود حدس بر این بود که ارتباط وجود دارد بین آنومی و اعتیاد به مواد مخدر و با توجه به تحقیقی هم که صورت گرفت این امر اثبات شد.

نتایج این پژوهش، باید بارعایت محدودیت هایی از قبیل مقبولیت اجتماعی، جهت گیری در خود-گزارشی، تأثیرات موقعیت و یادآوری ضعف و خطاهایی در اندازه گیری خود گزارشی، در نظر گرفته شود. همچنین به دلیل کم بودن شمار آزمودنی ها و عدم کنترل متغیرهای مزاحم، باید در زمینه استنباط روابط علت و معلولی از یافته ها و تعمیم آنها احتیاط شود. در طول دو دهه اخیر، عمده منابع، امکانات، فرصت ها و تلاش ها، در راستای استراتژی برخورد با مواد مخدر متمرکز گردید و این استراتژی دو پیامد عمده داشت. از یک سو منجر به افزایش تعداد دستگیری ها، زندانیان مواد مخدر، کشفیات مواد مخدر، درگیری ها، گروگان گیری ها و ... گردید و از سوی دیگر به افزایش تعداد معتادان و کاهش سن اعتیاد منجر گشت. پیشنهادها و راهبردهای عملی به شرح ذیل پیشنهاد می گردد:

آنومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۲۸-۱۳ ساله شهر تهران.....۵۳

- ۱- مقابله با عرضه مواد مخدر:- تشکیل پلیس ویژه مبارزه با مواد مخدر و آموزش و تجهیز مناسب آن، - نقد و نظارت مستمر بر عملکرد و مدیریت سازمان های ذی ربط در امر مبارزه با مواد مخدر و عدم اکتفا به رویکرد محض نیروی انتظامی.
- ۲- کاهش تقاضای مواد مخدر :- اتخاذ و ترویج رویکرد فرهنگی - اجتماعی در مقابله با پدیده اعتیاد به مواد مخدر و ایجاد تغییرات و اصلاحات ساختاری در ابعاد اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی برای کنترل عوامل کلان اعتیاد در جامعه،
- گسترش و عملیاتی کردن طرح های ضربتی اشتغال و کاهش نرخ بی کاری در جامعه،
- فراهم نمودن تمهیدات لازم برای کاهش احساس محرومیت نسبی در جامعه،
- تلاش برای کاهش فاصله میان انتظارات مردم با امکانات جامعه،
- غنی سازی اوقات فراغت جوانان و گسترش امکانات رفاهی ، آموزشی و تفریحی برای جوانان،
- افزایش سطح آگاهی والدین نسبت به فرد و توجه به خصوصیات، نیازها و خواسته های جوان امروز و تعمیق ارتباط عاطفی و عقلانی والدین با فرزندانشان و پرهیز از « زورگویی » ، «سرخوردگی فرزندان» و اختلافات زناشویی و ...

پی نوشت ها

- | | |
|--------------|-------------|
| 1- Farrow | 6- Nomura |
| 2- Brissing | 7- Cohen |
| 3- Simons | 8- Orford |
| 4- Robertson | 9- Boyle |
| 5- Brook | 10- Hoffman |

منابع

۱. آقابخشی، حبیب(۱۳۷۹). «اثرات اعتیاد پدر بر کارکردهای خانواده». **فصل نامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۰.
۲. بوالهری، جعفر(۱۳۸۲). «ارزیابی سؤ مصرف مواد مخدر در زنداهای ایران»، **فصل نامه علمی ، پژوهشی سؤ مصرف مواد** ، سال اول شماره ۳.
۳. توسلی، غلامعباس؛(۱۳۸۰). **جستارهایی در جامعه شناسی معاصر**. تهران: نشر جامعه ایرانیان،
۴. پیران، پرویز(۱۳۶۸). **پروسی اعتیاد و باز پروری معتادان** . معاونت پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی .
۵. حاج حسینی، منصوره؛ و اوخوان تفتی، مهناز (۱۳۸۲). «مقایسه سبک اسناد در جوانان معتاد و غیر معتاد شهر یزد». **فصل نامه اعتیاد پژوهی** . سال اول، شماره ۳
۶. شایسته، سیاوش(۱۳۷۵). "مقایسه شخصیتی جوانان معتاد به مواد مخدر و جوانان عادی در گروه سنی ۲۲-۱۴ سال در استان اصفهان". پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس
۷. شهیدی، محمد حسن(۱۳۷۵). **مواد مخدر، امنیت اجتماعی و راه سوم** . تهران: انتشارات اطلاعات.
۸. شیخاوندی، داور(۱۳۷۶). **جامعه شناسی انحرافات و مسائل جمعی ایران**. تهران: نشر قطره،

۵۴.....پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸

۹. صادقی اهری، سعید(۱۳۷۹). «بررسی علل بازگشت مجدد به اعتیاد در بیماران مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد وابسته به بهزیستی»، **فصل نامه اعتیاد پژوهی**، سال اول، شماره ۲.
۱۰. صالحی جونقانی، فرحناز(۱۳۷۹). «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر اعتیاد؛ مطالعه موردی: زندان شهر کرد». پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
۱۱. صدیق سروسناتی، رحمت اله، (۱۳۸۷). **آسیب اجتماعی**. تهران: انتشارات سمت،
۱۲. صفاری، علیرضا، (۱۳۸۳). «آسیب خانواده در سال تحصیلی ۸۳-۸۴». پایان نامه دکترای پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان،
۱۳. عبدی، کافیه(۱۳۸۰). «عوامل اعتیاد در میان حاشیه نشین ها». پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه تهران.
۱۴. غلامی آبییز، محسن(۱۳۸۱). «بررسی علل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر اعتیاد؛ مطالعه موردی اردوگاه پیربنان شهر شیراز». **فصل نامه علمی، پژوهشی سؤ مصرف مواد**، سال دوم، شماره ۵
۱۵. فرجاد، محمد حسین و دیگران، (۱۳۶۹). «بررسی علل روانی و اجتماعی در ایران در سال تحصیلی ۶۹-۷۰»،
۱۶. قریشی نژاد، رقیه (۱۳۷۹). «بررسی و مقایسه ویژگی های شخصیتی معتادان به مواد مخدر با افراد عادی در شهرستان قزوین». **ژرفای تربیت**. سال دوم، ش ۱۷.
۱۷. کرم پور، رزا(۱۳۷۹). «ارزیابی تحقیقات انجام گرفته در خصوص اعتیاد و مصرف مواد مخدر در ستاد مبارزه با مواد مخدر». **ژرفای تربیت**. سال دوم، شماره ۵.
۱۸. کوئن، بروس(۱۳۷۳). **مبانی جامعه شناسی**. ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل: تهران انتشارات سمت،
۱۹. کوثری، مسعود(۱۳۸۲). «آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر». **فصل نامه علمی، پژوهشی سؤ مصرف مواد**. سال دوم، شماره ۵.
۲۰. کوزر و روزنبرگ(۱۳۷۸). **نظریه های بنیادی جامعه شناختی**. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: انتشارات نی،
۲۱. گیدنز، آنتونی(۱۳۷۳). **جامعه شناسی**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی،
۲۲. عفتی، جلیل، (۱۳۷۹). **اعتیاد، پیشگیری یا درمان**. یزد: انتشارات نیکوگوش،
۲۳. مبارکی، محمد(۱۳۸۳). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم». پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی دانشگاه تهران.
۲۴. محبوبی منش، حسین(۱۳۸۲). «اعتیاد مردان، تهدیدی علیه زن و خانواده». **فصل نامه شورای فرهنگی، اجتماعی زنان**. سال ششم، شماره ۲.
۲۵. مصلحی، زینبده، (۱۳۷۹). «بررسی مشکلات عاطفی جوانان معتاد». پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی.
۲۶. ممتاز، فریده (۱۳۸۱). **انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاه ها**. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۷. نوابخش، مهرداد و مریم ثابتی(۱۳۷۸) میزان تأثیر خشونت والدین بر گرایش فرزندان به اعتیاد فصل نامه علمی و پژوهشی پژوهشنامه علوم اجتماعی. سال دوم، شماره ۴
۲۸. هاشمی، علی(۱۳۸۳). «اقدام نو در مبارزه با مواد مخدر، ریاست جمهوری ستاد مبارزه با مواد مخدر». تهران: نگاه نو.
29. Islam, SK, Nazrul and et al (2000). «sexual life style ,Drug habit and socio- demographic status of Drug Addict in Bangladesh». Public Health, vol.114 ,N.5
30. Brissing, Peter, Farrow. JA (1990) a new look at gender difference in drinking and driving in flunkies experiences and attitudes among new among new adolescent drivers. Health Education & Behavior, Vol. 17, No. 2 [http:// www.elsevier.com](http://www.elsevier.com)